

## نقد کی یر کگور علیه سیستم پرداززی هگل

امیر دل زنده نژاد

دانشجوی دکتری فلسفه و کلام

یداله رستمی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور ایلام

### چکیده :

در این مقال به یکی از مهمترین ابعاد تفکر کی یر کگور یعنی قیام علیه هگل و هر گونه سیستم پرداززی فلسفی می پردازیم. دیالکتیک کی یر کگوری را در جدال با دیالکتیک عقلی هگلی قرار می نهمیم. تا جائیکه امکان دارد آن قسمت از ابعاد فکری او که به طرد مفهوم پرداززی سیستماتیک فلسفی می پردازد را واکاوی خواهیم نمود و نشان می دهیم که چگونه بدون اعتقاد و بنا کردن یک سیستم فلسفی به کنکاش در مورد معنای جهان، زندگی و انسان می پردازد و او را یکی از پیشگامان نقد مدرنیته و مبشر پست مدرنیسم قرار می دهد و خواستگاهای تفکر انضمامی و وجودی را در تفکر کی یر کگور نشان می دهیم و به بدیل های فکری علیه دستگاه هگلی در متون کی یر کگور در حد توان خود اشاره خواهیم نمود امید است این مقال راهی را به سوی شاناسائی هر چه بیشتر فرهنگ مغرب زمین برای مباحثات تطبیقی و انتقادی بگشاید.

مفاهیم کلیدی: سیستم پرداززی، ترس آگاهی، هگل، انضمامیت، ایمان و دیالکتیک

وقتی به خوانش کی یر کگور (۱۸۱۳-۱۸۵۵) از هگل می پردازیم بایستی در نظر داشته باشیم که منظور هگل در نوشته های او کیست؟ به اعتقاد برخی از کی یر کگور شناسان، در زمان این فیلسوف دانمارکی، فضای دانشگاهی افکار هگل را مغلوب خود کرده بود و حتی حیطه فرهنگ هم متأثر از هگل شده بود. (clare . pg. 46 carlile) بسیاری از اساتید دانشگاهی و فیلسوفان دانمارکی به دفاع و تفسیر از سیستم هگل مشغول بودند. البته نباید فراموش کرد که خوانش کی یر کگور از هگل نیازمند سنجش و ارزیابی است چون مواجه او با نوشته های هگل مستقیم از متن نبوده و خوانش های دست دوم و تفاسیر هگلی از متون هگل بیشتر مورد توجه او بوده است (همان ص ۴۶) بخصوص که او متأثر از برداشت های شلینگ از هگل است (Tom Rockmore, pg.146) آشنائی کی یر کگور با شلینگ در برلین، نقش موثری در گرایش ضد هگلی او داشت. همانطور که ذکر نمودیم بیشتر نقدش متوجه هگلیان دانمارکیست. او هگل را مستقیماً "مورد نقد قرار نمی دهد بلکه به طور غیر مستقیم و و استعاره ائی به صورت کنایه آمیز از زبان شخصیت های کتابهایش استفاده می کند تا یک فضای دراماتیک بین تفکر هگلی و تفکر شخص موجود و فردیت یافته در متن آثارش تولید نماید (clare carlile, pg.48) به هر حال وقتی کی یر کگور از مفاهیمی مثل "سیستم" "فلسفه انتزاعی" "ایده ها" و "واسطه" استفاده می کند منظورش فلسفه هگلیست.

به اعتقاد برخی از متفکران، کتاب دستنوشته های متأخر علمی کی یر کگور یک نقطه عطفی در طول تاریخ فلسفه غرب محسوب می شود (Shelly O Hara Wiley, pg.72) بیشتر مطالب این کتاب به مباحثی ضد هگلی می پردازد و این نقد نه تنها هگل را مورد توجه قرار می دهد بلکه هر گونه سیستم فلسفی را به عنوان یک نظام مورد هدف و حمله خودش قرار می دهد.

از دید کی یر کگور فلسفه هگل رو به گذشته و تاریخ دارد و علاوه بر اینها شخص را محصور در جبر تاریخ می نهد و نه تنها راهی را برای اختیار فردی باز نمی گذارد بلکه هیچ راهنمای اخلاقی را نمی تواند بدست دهد چون فردی وجود ندارد و همه اش جبر است و این تاریخ مطلق است که اراده اش را به اراده افراد تحمیل می کند (pg.53، glenn kirconnell). بهتر است کلام خود کی یر کگور را از زبان قاضی ویلیام که یکی از اسامی مستعار او را در نقد فلسفه هگل و هر گونه فلسفه ورزی است بیاوریم:

"فلسفه به گذشته بر می گردد به سمت تمامیت تاریخ تجربه شده جهان. آن، نشان می دهد که چگونه عناصر گفتمانی در یک وحدت بالاتری جمع می شوند و به تامل می پردازد و این تامل را تکرار می کند اگر چه آنگونه برای من به نظر می رسد که هیچ گونه سوالی را که می پرسم جواب نمی دهد زیرا من دارم در مورد آینده سوال می پرسم. من می پرسم که چه چیز را بایستی انجام دهم اگر نخواهم فیلسوف باشم؟ من یک مرد متاهل هستیم و بسیار دور از یک ذهن فلسفی قرار دارم اما برای پاسخ دادن به سوالم به علم رجوع می کنم و جوابی نمی یابم این امر متعلق است به غرور تامل که در روزگار ما جریان دارد که جوانانی را می بینیم که می توانند بر مسیحیت و کفر مذاقه کنند و با نیروی عظیم تاریخ بازی می کنند و کسانی که قادر نیستند که به بشر معمولی بگویند که چه چیز را باید در زندگی روزانه خویش انجام دهد و حتی خودشان هم نمی دانند که برای خودشان هم چکار کنند (یعنی دانشمندان روزگار کگور)" (همان ص ۵۴).....

نقد کی یر کگور این است که سیستم هگلی ادعای تمامیت مطلق و کلیت دارد و ادعا می کند که این نظام کامل و تمام می تواند همه موضوعات بشری را توضیح دهد و زیر توجیه و تفسیر عقلانی خودش جا دهد. واقعیت در نزد هگل امری عقلای است و عقلانی واقعیت است کی یر کگور به هگل می تازد که فیلسوف، خودش در بیرون سیستم ایستاده است و کاخی انتزاعی می سازد که هیچ گونه ربطی به زندگی او ندارد. سیستم

همیشه از یک جایی و بنیادی شروع می شود و کی یر کگور به آن بنیاد حمله می کند که آن گزاره های بنیادین از کجا آمده اند؟ یعنی برای ایجاد یک نظام بایستی بعضی از گزاره ها را پیش فرض گرفت که بدون واسطه بایستی آنها را بپذیریم. نمی شود در مورد آن پیش فرضها چون و چرا و استدلال نمود زیرا این استدلال و چون و چرا تا ابد ادامه دارد و هیچ گاه پایه های یک نظام شکل نمی گیرد پس کی یر کگور از اینکه بایستی برای تشکیل یک نظام بعضی گزاره ها را بی چون و چرا پذیرفت معترض است. در گفتار و طنزی که از تمامیت سیستم هگلی دارد می گوید که :

"اگر خداوند حقیقت را در دست راستش قرار داده باشد و در دست چپش یک تلاش را برای رسیدن به حقیقت .... اگر به من بگویند که انتخاب کن! من متواضعانه در دست چپش و در محضرش خواهم افتاد و خواهم

گفت: پدر! بده! حقیقت صرف واقعا" فقط در نزد تو می باشد." Alastair Hanny. pg.116.

سیستم از جایی آغاز می شود و در قسمت پایان و نتیجه گیری آن به جایی می رسد که در آغاز بوده است و وجود قبل از نظام پردازی به رسمیت شناخته شده است قبل از اینکه در نظام به نتیجه ائی در باب وجود برسیم. (همان ص ۱۱۶)

هگل می گوید سیستم با بی واسطه شروع می شود بسیار خوب اما شروع سیستم با بی واسطه آیا بی درنگ و بی واسطه انجام می گیرد؟ نه، زیرا با تفکر به بی واسطه می رسد. پس باید در یک جایی یعنی در ابتدای سیستم تفکر را متوقف نمود زیرا تفکر هیچ گاه خودش متوقف نمی شود پس توقف دادن تفکر در آغاز سیستم، خود نوعی تصمیم است نه تفکر و این امر با منطق مغایرت دارد به قول خودش " فقط در موقع توقف فکر است که می توان شروع کرد و تفکر ممکن نیست متوقف بشود مگر بواسطه امر دیگر و این امر دیگر کاملاً" با منطق مغایرت ارد چونکه آن، یک تصمیم است. (ژان وال ص ۱۱۰).

یک سیستم هگلی یک سیستم مفهوم پردازی انتزاعی است که هیچ ارتباطی با زندگی ملموس آدمی ندارد. هنگامیکه او از نقد سیستم هگلی می گوید تئوری های کتاب علم منطق هگل را مورد حمله خودش قرار می دهد. به اعتقاد او سیستم هگل از فهم و درک فرد وجود یافته و ملموس تاریخی ناتوان است و تجربه زیست شده موجود را نادیده می گیرد (Tom Rockmore.pg147). منطق هگلی، تاریخ و گذشته را همچون یک پروسه منطقی می نگرد اما یوهانس کلیماکوس کی یر کگور اعتقاد دارد که هر امر تاریخی آزادانه به اگزیستانس قدم می نهد و رو به سوی آینده دارد و در اینجاست که مسئله انتخاب و آزادی عمل پیش می آید (clare carlile.pg.58). وجود در تفکر کی یر کگور در مقابل مفهوم و مفهوم پردازی می ایستد هر فردی که کیر که گور برای آن اهمیت قائل است در درون یک شکل تمامیت یافته هگلی هضم می شود و فردیت خود را از دست می دهد این خود بنیادی سیستم از درون ممکن است با خودش متناقض باشد و به مشکل عدم سازگاری مواجه شود.

نزد هگل مفهوم صیوروت واسطه ائیست بین هستی و نیستی و گذریست و پل انتقالیست بین این دو مفهوم. اما به اعتقاد کی یر کگور که هر گونه سیستم پردازی را نقد می کند هر گوه واسطه ائی را منکر می شود (Tom Rockmore.pg.148) از دید هگل که خود منطقش قیامی است علیه منطق ارسطویی، می شود دو مفهوم متناقض را در امر سومی آشتی داد اما به اعتقاد کی یر کگور در حیطه تفکر این پروسه ممکن است تحقق پیدا کند اما در حیطه عمل نمی شود هم خوب بود و هم بد چون در عالم عمل باید دست به انتخاب زد (c.stephen evans.pg.32). در قلمرو عمل ورزی نمی شود هگلی فکر کرد عمل همواره محصور می شود در یک موقعیت محدود بین الف و نا الف. به نقل از کلیماکوس در دست نوشته های علمی متاخر "یک شخص نمی تواند در حیطه عمل در یک زمان هم خوب باشد و هم بد" (Concluding Unscientific

Postscript.pg.420). قاضی ویلیام در قسمت اخلاقی و دوم کتاب این/آن بحث از انتخاب اخلاقی را پیش

می کشد که در زندگی ناچار به انتخاب هستیم و چون زندگیمان محدود است و منتهای بایستی دست به

انتخاب بزنیم. (Clare) carlile.pg.58.

از دید کی یر کگور خود بنیادی یک نظام هگلی مآبانه منجر به خدا بنیادی سیستم می شود این، جهانی بودن،

کلی بودن، مطلق بودن و عینی گرائی ارتباطی با وجود انسان ندارد وجود اگزیستانسیال انسان پیچیده در

پرسشهای اساسی می باشد که با زندگی او در گیر است و پرسشهایی وجودی مربوط به زندگی فردی و شخصی

آدمیت موجود است و نبایستی با مفهوم پردازی کلی و انتزاعی به حل معمای وجودی انسان پرداخت.

کی یر کگور در کتاب این / آن مسئله اش انتخاب منطق ارسطویی یا منطق هگلی نیست بلکه انتخاب سبک

زندگی است یعنی هر یک از دو منطق را اگر برگزینیم آنچه که مهمتر از همه است انتخاب سبک زندگی بر

اساس این منطقیها می باشد (clare carlile.pg.56). در سیستم هگلی فاصله بین خدا و انسان در درون نظام

تمام یافته از بین می رود و همه در یک وحدت دیالکتیک یگانه می شوند در صورتیکه در تفکر کی یر کگور

خداوند برای انسان قابل دسترسی نیست و اصولاً " آن یک امر عقلانی نمی باشد که با مفهوم پردازی بشود به آن

دست یافت بلکه بین خداوند و انسان یک شکاف و گسست وجودی قرار دارد که با جهش ایمانی و پا گذاشتن

در یک سپهر دینی می شود به آن حقیقت نزدیک شد. به نظر کی یر کگور آنچه دین را نیرومند می سازد غیر

عقلی بودن آن است. (کاشانی ص ۱۲۰)

مرد از زنش می پرسد که آیا او یک مرد مسیحی است یا خیر و زن جواب می دهد که تو یک دانمارکی

هستی. (Alastair Hanny.pg.114.)

این کنایه و طنز بدین معناست که دین و مذهب شخص را در طبق تفکر هگلی، جامعه و تاریخ آن مشخص می کند و محیط جغرافیائی سهم زیادی در گرایش به یک مذهب خاص دارد.

در کتاب ترس و لرز کی یر کگور هنگامی که از زبان یوهانس دسلینو مدعی می شود که اگر چه می تواند فلسفه هگل را به خوبی درک کند اما از فهم ایمان ابراهیمی ناتوان است. این بدان معنی است که زاویه تفکر هگلی از فهم ارتباط شخصی و فردی با خداوند ناتوان است (clare carlile.pg.48).

زبان و اندیشه و نظام پردازی مفهومی با وجود انسانی فاصله دارد. نقد کی یر کگور از معرفت یقینی علمی هم نقدی است که می شود آن را را حمل بر نقد از مدرنیته توسط او دانست. مدرنیته با به رسمیت شناختن معرفت عینی و یقینی علم و عقل ایمان و تفکر انضمامی را به حاشیه می راند.

نمونه نوعی این تنش میان عدم قطعیت عینی و حقیقت درونی اعتراف سقراطی به جهل است یعنی این ادعا که هیچ چیز نمی دانم جز این که هیچ نمی دانم. درون نگری سقراطی سرا پای زندگی او و روش کند و کاو فلسفی اش بود. طرح سوال و در هم شکستن فرضهای پذیرفته شده و ادعای دانائی مخاطبانش. از منظر عینی، پرس و جوی سقراطی همواره منجر به آشفتگی و سرگردانی می شد اما از منظر انفسی روش حقیقی بود (علیا ص ۲۴). شور داشتن ممکن است نقطه مقابل باریک اندیشی تفکر و عینیت باشد و منجر به رفتار اخلاقی شود که البته کی یر کگور نگران این چیز نیست. (دیهمی ص ۱۳۶).

در نظام پردازی هگلی خود خدا سازی عقل انسان صورت می بندد و راهی را برای ایمان وجودی باز نمی گزارد ولی از نظر کی یر کگور همه چیز را نمی شود عقلانی کرد. نمی شود دین را به عقل تحویل داد و بر خلاف او شکاف بین خدا و انسان را نمی شود در امر سومی به نام عقل پر کرد. (clare carlile.pg.60). از

دید کی یر کگور این معرفت علمی یقینی که مدرنیته حامی آن است یک معرفت حدسی و تخمینی است و این معرفت یک ایده آل های منظم و متوالی می باشد و همیشه آخرین معرفت همان آخرین حدس و تخمین و احتمال است و در واقع نوعی فقدان سوبجکتیو در تفکر هگلی مشاهده می شود که در تفکر کی یر کگور به اوج خودش می رسد .

وحدت حاصل از کلیات منطقی یعنی آنچه پس از هگل به نام وحدت جمعی یا جمع خوانده شده سخت مورد انتقاد کی یر کگور قرار می گیرد حتی در مورد علوم او نیز مایل است که هر علمی به عنوان وحدت شخصی با خصوصیات متمایز آن تلقی شود و به هر علمی آنچه که متعلق به وجود اصیل خارجی متعالی از کلی و جزئی است باز گردانده شود. به نظر او فراهم آوردن ملغمه ائی از اخلاق و فلسفه اولی و منطق و الهیات مارا به هیچ حقیقت انضمامی راه نمی نماید ( مستعان ص ۱۱۳- ۱۱۴ ) از آنجا که دیالکتیک کی یر کگور نا پیوسته است بدین معنا می باشد که در آن گذر از یک مرحله به مرحله دیگر با گزینش و در گرو نهادن خویشتن صورت می گیرد نه از راه فرایندی پیوسته از میانجیگری مفهومی .... "ایمان یک خطر است و سر سپردن به یک بی یقینی عینی .خدا مطلق برین است توی مطلق است شی نیست که وجودش را بتوان اثبات کرد ایمان آوردن به وجودی است بیرون از دسترس فلسفه نظری " (کاپلستون ص ۳۳۴)

از دید کاپلستون کی یر کگور منکر وجود حقیقت عینی غیر شخصی نیست اما برای مثال حقایق ریاضی ربطی به فرد هستی دار بدین معنا ندارد او این حقایق را می پذیرد و چاره ائی جز این ندارد (همان ص ۳۲۶) برای فکر اثبات هست بودن نامقدور است (ژان وال ص ۱۱۴)

کی یر کگور معتقد است که مسیحیت یک دکترین نیست بلکه پیام و رسالت مربوط به هست بودن است و بالتیجه حقیقت آن یک امر عینی نیست و آن را نه می توان اثبات کرد و نه فهمید این پیام و رسالت در نظر عقل



خلاف عرف مطلق است. (همان ص ۱۱۵) سعی در توجیه عقلی مسیحیت سعی باطل و بیهوده ائی است زیرا از طرفی چنین کوششی ناشی از فقدان ایمان است آن کس که ایمان دارد مستغنی از دلیل و برهان است. (همان ص ۱۱۶).. این مدعای هگل که دیدگاه‌های کاملاً متضاد را می‌توان و باید سنتز کرد اساساً با این اعتقاد کی‌یر کگور در تضاد است که زندگی از انتخاب‌های "یا این یا آن" شکل می‌گیرد خصوصاً اینکه به گفته او فرد باید میان سه راه مختلف زیستن که با هم قابل جمع نیستند دست به انتخاب بزند. (دیهمی ص ۶۶). سیستمها فقط قادر به توضیح وجوه عقلانی جهان هستند. حقیقت در نظام عقلانی جائی ندارد حقیقت در ذهنیت فردی اگزستانسیال است. سوالهائی که در نظام های هگلی جواب داده می‌شوند یک سوالهای بریده از وجود و زندگی و فرد و شخص است و سوالهائی اصیل و واقعی نیستند کی‌یر کگور از هگل انتقاد می‌کند که فرد و انسان را جزئی از یک کل قرار می‌دهد و او را بازپچه دست تاریخ و مطلق قرار می‌دهد و فردیت او را به رسمیت نمی‌شناسد در حالیکه حقیقت از دید کی‌یر کگور ذهنی و فردی است و انسان با اختیار خودش می‌تواند خودش شود نه چون جزئی از یک کل و یک نظام و تاریخ. اختیار در عقیده به تاریخ مطلق خودخواه و خود گردان و خودبنیاد هگل برای بشریت معنا و جائی ندارد و مطلق است که حکم می‌راند و خودش را از طریق فرد و جزء به نمایش می‌گزارد و ظهور می‌کند. حقیقت بیرون از فرد نیست بلکه خود فرد است. کی‌یر کگور در صدد است که سقراط وار حقیقت را در جستجوی و شور فردی و اینجهانی نشان دهد و آن را از درون فرد احیاء کند نه در امر مطلق عینی تاریخی هگلی / افلاطونی. از دید کی‌یر کگور ارتباط بین انسان و خداوند پرناسدنی است ما نامتناهی را نمی‌توانیم بشناسیم. از دید کی‌یر کگور اگر فردی بخواهد خود را در یک کل مانند دولت و تاریخ هضم کند آن فرد از خودش بیگانه می‌شود و فردی ترسو می‌شود که البته اگر شایسته باشد نام فرد را بر او نهاد. اندیشه و مفهوم پردازی ما را از موجود زیسته یا اگزستانسال جدا می‌سازد.

نظام هگلی همه چیز را تمام و کامل نشان می دهد در حالیکه نه انسان و نه واقعیت هیچ کدام کامل و تمام نیستند و بنا براین نظام هم ناکامل است و ناتمام.

تفکر هگلی در باب اخلاق در زمان کی یر کگور رایج بود و هنگامیکه هگلیان می خواستند عمل ابراهیم را در قربانی کردن پسرش تفسیر کنند آن را موضعی و سوسه گونه در اخلاق می دانستند توضیح آنکه اخلاق و نظریه هگلی آن این بود که اخلاق عمومی یا اصول پیوستگی سیاسی و اجتماعی اساس هر جامعه واقعی، تجلی اهداف انسانی کلی هستند. (ترس و لرز ص ۴۳)

.. ابراهیم دیگر با این تفسیر شهسوار ایمان محسوب نمی شود چرا که او می خواهد عملی ضد قوانین اخلاقی موجود در جامعه را انجام دهد. کشتن یک انسان دیگر از طرف جامعه محکوم است و از دید هگلی کشور، ملت فی الذاته و بالذاته کل اخلاقی می باشد و ابراهیم می خواهد بیرون از این دایره عمل کند ابراهیم عملش مغایر با قوانین اخلاق است مشروعیت اخلاق هگلی از جامعه و دولت و تاریخ می آید و رفتارهای فردی که از روی تجربه شخصی می باشند نمی توانند خود را توجیه کنند و محکوم هستند اما گفتیم که کی یر کگور چگونه اخلاق را از تاریخ و کل و مطلق و دولت و جامعه جدا می کند و به قلمرو ذهنیت و فردیت می کشاند. هگلیان به دنبال عقلانی کردن مسیحیت بودند اما کی یر کگور تفسیر غیر عقلانی و شخصی را از دین و ایمان ارائه می دهد.

برای حرکت به سوی ایمان بایستی خلوص دل داشت و آدم باید بتواند همه توانش را صرف یک چیز کند و همه تخم مرغهایش را در یک سبد بگزارد او در کتاب خلوص دل می گوید که کسی که خلوص دل ندارد و نمی تواند دل فقط به یک چیز بسپارد دچار نومیدی می شود. (دیهمی ص ۱۳۰).

انتقاد کی یر کگور از عصر کنونی اروپا در میانه قرن ۱۹ با این اتهامات آغاز شد که عصر کنونی فاقد عنصری به نام شور است به علاوه تحقیری همه الهی (وحدت وجودی) علیه فرد آگاه به وجود بود این عصر عصر انتزاعیات بزرگ بود متمثل در دیالکتیک هگلی . به طنز کی یر کگور می گوید که عصری است که آدمی نمی تواند در آن تصمیم به خود کشی بگیرد زیرا خود کشی نیز عقلی شده است. (مستعان ۱۲۰).

در کل بایستی این نکته مهم را یاد آوری کنیم که فلسفه کی یر کگور از عرش به فرش می آید و فلسفه را به زندگی روزمره آدمیان و به نفع زندگی آدمی در می آورد و وجهی عملی به آن می بخشد.

## بحث پایانی

همانگونه که می بینیم می توانیم بنیاد های اندیشه هاییدگر، سارتر، نیچه و دریدا و هر گونه نقد مدرنیته را در کی یر کگور مشاهده نمود و او را از پیشگامان پست مدرن نامید. کی یر کگور به تجربه دینی بیشتر از شرع و دین کلیسایی اهمیت می دهد و تجربه دینی را در راس امور قرار می دهد و این خود، نوعی قرائت پست مدرن از دین است (Alastair Hanny.pg.121). نقد او علیه نظام پردازی و تفکر مفهومی و تاکیدش بر وجود اینجهانی انسان و موجود زیسته اگزستانسیال مدرنیته را سر خورده نمود و حتی حالت مالیخولیایی خودش را نوعی محصول مدرنیته می داند که در تلاش است با علمانیت و عقلانیت همه چیز را در خود حل کند. کی یر کگور با گذر از مالیخولیای خودش نوعی واکنش عملی برای گذار از مدرنیته را به نمایش می گزارد او با تاکید بر فرد زیسته و تجربه کننده و اگزستانس در مقابل هر گونه نگاه تمامیت یافته و کلی به انسان بر می خیزد و هر گونه سیستم پردازی را دشمن مخالف حقیقت یابی معرفی می کند. یک سیستم نمی تواند واقعیت انضمامی را توضیح دهد و حقیقت این جهان زیست شده را نشان دهد بلکه سر بر روی ابرها دارد و خارج از زندگی ملموس فرد شخصی و منفرد و اگزستانسیال سیر می کند. در سیستم پردازی مفهومی و انتزاعی می شود دو امر متضاد را با هم آشتی داد اما در جهان عمل ورزی و زندگی شخصی و انضمامی بایستی بین دو امر متضاد دست به گزینش زد و یکی را انتخاب کرد و همین امر است که امر آزادانه را و انتخاب اخلاقی و مسئولیت وجود گرایانه را می سازد.

به عقیده نگارندگان این سطور کی یر کگور پژوهی در ایران در ابتدای راه خودش است. با نگاهی به کتابها و تحقیقات چاپ شده در این زمینه می شود به راحتی در یافت که جزء معدود سه چهار کتاب که با زبان فارسی

و توسط اساتید فن در این زمینه نوشته شده یا چند کتاب دیگر که از تعداد انگشتان دست هم تجاوز نمی کنند ترجمه مواجه می شویم یعنی هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی کار بخصوصی در این زمینه صورت نگرفته است ما نیاز به جملات خوش ساخت زبان فارسی در باب فلسفه ورزی داریم مجموعه آثار کی یر کگور بالغ بر ۲۵ جلد می شود که خلاصه کردن آن در یک کتاب ۱۰۰ صفحه ائی در خور شان جامعه آکادمیک نیست ۲۵ جلد فلسفه ورزی و تاملات در باب موضوعات مختلف جهان، زندگی، ایمان و اخلاق و دین نیاز به صورتبندی جدی تری دارد برای شناخت غرب نیاز به صورتبندی افکار تاثیر گزار مغرب زمین است و برای نقد و بررسی آن هم امید است که شاهد هر چه بیشتر مقالات و کتب بیشتر و بهتری در این زمینه باشیم در قسمت منابع این مقاله نوعی کتابشناسی هم صورت گرفته است که امیدواریم مطلب فوق را بهتر و روشن تر نشان دهد. در زمینه نقد کی یر کگور به هگل به این کتابها مراجعه نمایند:

Clare Carlisle, Kierkegaard's Philosophy of Becoming: Movements and Positions, State University of New York Press, 2005

Kierkegaard, Either/Or, Princeton University Press, 1987

Tom Rockmore, Before and After Hegel: An Historical Introduction to Hegel's Thought, Hackett, 2003

Jon Stewart, Kierkegaard's Relation to Hegel Reconsidered, Cambridge University Press, 2003

Mark C. Taylor, Journeys to Selfhood: Hegel and Kierkegaard, Fordham University Press, 2000

منابع فارسی :

مستعان، مهتاب، کی یر کگور، نشر پرسش، ۱۳۸۶

کاپلستون، فریدریک، تاریخ فلسفه جلد هفتمت: داریوش آشوری، نشر علمی فرهنگی ۱۳۹۰

ژان وال، پدیدارشناسی و فلسفه های هست بودن، ت: یحیی مهدوی نشر خوارزمی ۱۳۷۹

مری وارنوک، اگزیستانسیالیسم و اخلاق، ت: مسعود علیا، نشر ققنوس ۱۳۸۶

اندرسون، سوزان لی فلسفه کی یر کگورت، خشایار دیهیمی نشر طرح نو ۱۳۸۵

کی یر کگارد، ترس و لرز، ت: دکتر سید محسن فاطمی نشر حوزه هنری ۱۳۷۴

رابرت ک، سولومون فلسفه اروپائی، ت: سعید حنائی کاشانی، نشر قصیده ۱۳۷۹

منابع انگلیسی:

Cambridge Companion To Kierkegaard .Alastair Hanny.Cambridge press 1999

Kierkegaard .Within your grasb.by Shelly O Hara Wiley publishing 2004

Kierkegaard On Ethics and religion by glenn kirconnell .press continuum.2008

clare carlile.Kierkegaard .A guid for perplexed .2006

c.stephen evans .An introduction to kier kegaar .cambridge un press.2009

Tom Rockmore, Before and After Hegel: An Historical Introduction to3-

Hegel's Thought, Hackett, 2003

Kierkegaard, Concluding Unscientific Postscript, Princeton University

Press, 1992.